

تحلیلی بر کیفیت

چینش آیات و سوره‌ها در قرآن



شهر بانو حاجی امیری

چکیده

نوشتار حاضر برای شناخت چگونگی چینش اجزاء ساختار ظاهری قرآن یعنی کلمات، جُمَل، آیات و سوره‌ها شکل گرفته است؛ تا با بررسی دقیق نقلی و عقلی به حقیقت این چینش دست یابد چرا که این مسأله به عنوان بستر بعضی از مباحث علوم قرآنی هم چون «تناسب آیات و سُور» و «تحریف ناپذیری قرآن» مطرح است. در گام اول، معناشناسی «آیه» و «سوره» به عنوان اجزای اصلی ساختار ظاهری قرآن مطرح گردیده است و سپس به مسأله «نزول تدریجی قرآن» پرداخته شد که در حقیقت زیر بنای نوشتار ماست چرا که نزول تدریجی قرآن است که لازم می‌نماید شخص یا اشخاص به سامان بندی ساختمان ظاهری قرآن بپردازند. و در ادامه به طور مجزا به بررسی چینش جملات، آیات و سوره‌ها در قرآن کریم پرداختیم. پس از بررسی‌های انجام شده حاصل گردید که چینش همه اجزای قرآن اعم از کلمات جُمَل و آیات و سُور به طور کامل با توقیفی از جانب خداوند صورت گرفته و هیچ گونه دخالت بشری در چینش وجود نداشته است.

کلید واژه‌ها: ساختار ظاهری قرآن، آیه، سوره، نزول تدریجی، چینش آیات و سوره‌ها، توقیفیت، اجتهادی.

مقدمه

برای ورود به بحث لازم است به عنوان مقدمه به بررسی اجزای ظاهری ساختار قرآن پردازیم تا پس از آن کیفیت چینش این اجزاء در قرآن را مورد مطالعه قرار دهیم. قرآن کریم دارای اجزایی مانند «جزء»، «حزب» و «عشر» و غیر اینهاست که بدان‌ها شناخته می‌شود، اما آن تقسیمی که از نفس قرآن بر می‌آید، دو چیز است: «آیه» و «سوره»، که خداوند در آیات قرآن بسیار از آن دو یاد کرده است. و این اصطلاحات به طور گسترده بر زبان پیامبر (ص) و صحابه و ائمه (ع) جاری گشته، به گونه‌ای که هیچ شکی نمی‌ماند که این دو در قرآن از حقیقتی برخوردارند.^۱

معنی شناسی «آیه» و «سوره»

در گام اول برای شناخت چگونگی چینش آیات و سوره‌ها در قرآن به معناشناسی این دو جزء اصلی تشکیل دهنده ساختار ظاهری قرآن می‌پردازیم تا به معنی حقیقی «آیه» و «سوره» در فرهنگ قرآن دست یابیم.

۱. معنای لغوی «آیه»:

خلیل بن احمد، «آیه» را بر وزن «فَعْلَة» و به معنای علامت و نشانه می‌داند که جمع آن «آی» است. وی معتقد است الفی که در وسط «أیة» است، در اصل «یاء» می‌باشد، یعنی در واقع «آییه» بوده است.^۲ ابن فارس، «آیه» را از ریشه «أبی» به معنی تعمّد و اصرار بر چیزی می‌داند و مصادیق مختلف «آیه» را بیان می‌کند.^۳

«راغب اصفهانی» در تعریف «آیه» می‌گوید:

آیه علامت ظاهری و آشکار است و حقیقت آن بر همه چیز هویدا است و ملازم با

شیء است. وی همانند «ابن فارس» نظر صحیح را این می‌داند که «آیه» از «تأیی» اخذ شده باشد به معنی «تثبّت» و اقامه بر چیزی و اصرار بر آن.

وی در ادامه بیان می‌کند: به هر جمله از قرآن که دلالت بر حکمی کند، حال چه سوره کامل باشد یا مقداری از یک سوره و یا بیشتر از یک سوره، آیه گویند و هم چنین گاه به یک کلام کامل که جدا از کلام دیگر باشد نیز «آیه» گویند.^۴

اما مرحوم مصطفوی کلمه «آیه» را از ماده «أوی - یاوی» به معنی توجه کردن و قصد نمودن به سوی جایگاهی برای استراحت در آن می‌داند و بیان می‌کند:

«آیه» آن چیزی است که مورد توجه و قصد است و وسیله‌ای برای رسیدن به امری است. و این معنی در همه موارد استعمالش منظور شده است.^۵

بر اساس آنچه گذشت آشکار می‌گردد که در مورد ریشه اصلی واژه «آیه» دو احتمال مطرح است:

الف: «أوی - یاوی» به معنی توجه کردن و قصد جایگاهی را نمودن به قصد استراحت در آن.

ب: «ایی» و «تأیی» به معنی تعمّد و اصرار بر چیزی. به نظر می‌رسد معنی دوم صحیح‌تر باشد هر چند معنی اول نیز آن چنان بعید به نظر نمی‌رسد.

به این معنا که آنچه دلالت بر امری می‌کند، باید ملازم با آن یا ثابت در آن و یا هم‌نشین آن باشد، به گونه‌ای که از آن جدا نشود و برای همین است که باید آشکارتر از آن امر باشد تا بتواند نشانه‌ای بر آن باشد. پس آیه به معنای علامت است.^۶

البته لازم به ذکر است که می‌توان از هر دو احتمال در معنای آیه بهره برد، بدین ترتیب که بگوییم: آنان که «آیه» را از ریشه «ایی» به معنی تثبّت و جای گرفتن و تعمّد بر چیزی می‌دانند، نظر به محتوای کلام دارند یعنی مراد از آیه، کلامی است که دلیل و نشانه بر امر دیگری است که به دلیل نشانه و علامت بودن، ملازم با آن امر نیز می‌باشد.

اما آنان که «آیه» را از ریشه «أوی - یاوی» به معنی توجه نمودن و قصد جایگاهی را نمودن برای استراحت می‌دانند در واقع گوینده، مفاد کلام را، قبل از آغاز آیه قصد نموده و بعد از آن برای مدتی کوتاه کلام در این قالب آرام گرفته و پس از آن قصد و آهنگ جایگاه

دیگری را می‌کند .

۲. معنی اصطلاحی «آیه»:

پیرامون معنی اصطلاحی «آیه»، جعبری در کتاب «المفرد فی معرفة العدد» می‌گوید:
حدّ آیه قرآن مرکب از جملاتی است ولو به نحو تقدیری که دارای مبدأ و مقطعی است که در سوره درج شده است. و اصل آن یا «علامت» است مانند: **إِنَّ آيَةَ** **مَلِكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ** (بقره، ۲/۲۴۸)؛ برای آنکه علامتی بر فضل و برتری و صدق است و یا آنکه به معنی جماعت است چرا که آیه گروهی از کلمات است.^۷

در جامع الرموز آمده است:

آیه از نظر لغت به معنای علامت است و در شرع به دسته‌ای کلام حق تعالی که اول و آخرش، آشکار است و بدون اسم می‌باشد، اطلاق می‌گردد و این قید «بدون اسم» قیدی احترازی است که «آیه» را از «سوره» جدا می‌کند. چرا که آیه در مقابل سوره فاقد اسم است.^۸

احمد حسن فرحات می‌گوید:

ممکن است از خلال تعاریف و دلالت‌ها بگوییم آیه، جزئی از سوره است و گاه حروف مقطعه‌ای می‌باشد یا یک کلمه و یا مجموعه‌ای کلمات، که در پائینش وقف صورت می‌گیرد. و از نظر لفظی از بعد خود یا ماقبلش جداست یا آنکه از قبل و بعدش کاملاً منقطع است، در حالی که از نظر معنی متصل است. و این امر با بیان پیامبر دانسته می‌شود جایی که یک بار بر سر آیه وقف می‌کند تا انقطاع لفظی آن را بیان کند، هر چند معنی تمام نشده باشد، همانگونه که باری دیگر آیه را بر آیه دیگر وصل می‌نماید تا اتصال معنایی آن را نشان دهد.^۹

مناسبت میان معنای لغوی و اصطلاحی «آیه» واضح است، چرا که آیه قرآنی معجزه است ولو به اعتبار انضمام چیزی به آن و همچنین «آیه» نشانه‌ای بر صدق آورنده‌اش می‌باشد. و در آن عبرت و پندی است برای آنکس که می‌خواهد پند گیرد.

و همچنین آیه به دلیل مقام بلند و اعجازش از امور شگفت‌آور و عجیب

است. همچنین معنی جماعت هم در آن نهفته است چرا که آیه از تعدادی کلمات و حروف ترکیب یافته است.

همچنین «آیه» به معنی برهان و دلیل هم می باشد، به خاطر وجود آنچه از هدایت و علم و قدرت خدا و حکمتش و همچنین صدق رسول خدا (ص) در رسالتش در آن می باشد.^{۱۰}

۳. معنی لغوی «سوره»

پیرامون معنی لغوی سوره دو نظر کلی وجود دارد که بعضی از لغویون با احتیاط هر دو نظر را در کتاب خویش مطرح نموده و بدون هیچ نتیجه گیری به آرامی از کنار آن رد شده اند؛ اما بعضی از آنها با اعلام یکی از دو نظر، موضع خویش را با شواهدی ابراز می نمایند. آن دو نظر عبارتند از:

الف) برخی برای «سوره» همزه ای قرار داده و آن را از «اسأرت» به معنی «افضلت» (چیزی را باقی نهادم) می دانند، چرا که عرب وقتی چیزی را در ظرف نوشیدنی باقی می نهاد، می گفت: «اسأرت فی الإناء».

بر اساس این معنا، «سوره» قطعه ای واحد از تمام قرآن می باشد.^{۱۱} در مطالعاتی که بر روی کتب لغت انجام دادم، شخصی را به طور مشخص قائل این نظر نیافتم فقط اشاراتی به آن در کتب لغت یافت می شود.

ب) برخی دیگر از لغویون، «سوره» را به معنی بلندی مرتبه و رفعت می دانند، که با اندکی تصرف در ذیل نظرات آنها به اجمال اشاره می شود:

ابن فارس ماده «س و ر» را اصل واحدی می داند که دلالت بر بلندی مرتبه و رفعت می کند. و «سار - یسور» نیز از همین ماده به معنی غضبناک شدن و به جوش آمدن است. در ضمن «سوره» به هر واحد از ساختمان هم اطلاق می گردد. [که در این معنی نیز بلندی لحاظ گردیده است].^{۱۲}

ابوالفتوح رازی نیز در تفسیرش می گوید:

بدان که سورت را معنی، منزلت بود از منازل شریف و دلیل بر این، قول نابغه (ذبیانی)، است:

ألم تر أن الله أعطاك سورة

تری کل ملک دو نها یتذبذبُ

أی منزلة من منازل الشرف^{۱۳}

ترجمه: آیا تو نمی بینی که خداوند به تو منزلتی بلند داده که هر پادشاهی را پائین تر از آن مقام می یابی، در حالی که هیچ ثباتی نداشته و متزلزل است. راغب اصفهانی در بیان معنی اصلی «سوره» معتقد است:

«السُّور» به جهیدن همراه بلندی گویند. و این واژه در غضب و نوشیدنی هم استعمال می شود. مثلاً گفته می شود: «سور الغضب» به معنی برآمدن خشم و غضبناکی و «سور المدینه» دیوار شهر است که آن را در بر می گیرد و «سوره قرآن» هم به همین «سور المدینه» تشبیه شده است، برای آنکه «سوره قرآن» احاطه کننده قرآن است همانند دیوار شهر.^{۱۴}

طبرسی در «مجمع البیان» ذیل آیه بیست و سوم سوره بقره این نظر را (سوره به معنی درجه و مقام بلند) به «ابی عبیده» و «ابن الاعرابی» نسبت داده و می گوید: هر سوره از قرآن به منزله درجه رفیع و منزلتی عالی است که قاری قرآن از آن درجه به درجه دیگر صعود می نماید تا آنکه قرآن به اتمام رسد.^{۱۵} قابل ذکر است که «طبرسی» نظر اول (سوره به معنی قطعه ای از قرآن) را با صیغه تمریضیه (با «قیل») آورده که تأخر این قول از نظر ربّی و آوردن آن با «قیل» نشان از ضعف این قول در نزد وی دارد.

به نظر پژوهشگر، کلام صحیح آن است که بگوییم «سوره» از «سور البلد» اخذ شده است که همان دیوار و باره شهر است که این دیوار تمام شهر را احاطه نموده و مانع دسترسی اغیار به خانه های آن شهر می باشد. و بر این اساس «سوره» در قرآن کریم نیز به همین معنی است، به این ترتیب که یک «سوره» احاطه کننده تعدادی از آیات است. و همانند دیوار شهر که از خانه های شهر حفاظت می کند «سوره» نیز از واحدهای کوچک تر که همان آیات قرآن می باشد، حفاظت می نماید و مانع از ورود اغیار به آن محدوده است، به گونه ای که هیچ آیه ای از سوره های دیگر، نمی تواند وارد این «سوره» گردد و یا حتی از آن خارج گردد چرا که «سوره» همانند دیواری بلند، از آیات موجود در محدوده خود حفاظت می کند. این معنا از سوره با اندیشه «توقیفیت چیش آیات در سوره ها» نیز سازگار می باشد.

۴. معنی اصطلاحی «سوره»:

جعبری پیرامون اصطلاح «سوره» می گوید:

حد و حدود سوره قرآن مشتمل بر آیاتی است که دارای ابتدا و انتهاست و حداقل آن سه آیه می باشد. ۱۶

زرقانی در تعریف اصطلاحی «سوره» می گوید:

سوره گروه مستقلی از آیات قرآن است که دارای مطلع و مقطع می باشد. و گویند «سوره» از «سور المدینه» گرفته شده است و این یا به دلیل قرار دادن کلمه ای در کنار کلمه ای دیگر و یا آیه ای در کنار آیه دیگر می باشد و یا به دلیل معنی علو و رفعت معنوی ای است که شبیه به علو «سور المدینه» و رفعت و بلندی حسی آن است. و یا آنکه «سوره» حصن و حمایتی برای محمد (ص) و کتاب خدا و دین حق اسلام می باشد؛ البته به اعتبار آنکه معجزه ای است که تکبر و خود بزرگ بینی را از بین می برد. ۱۷

علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه اول سوره «نور» پیرامون معنی «سوره» می فرماید:

سوره دسته ای از کلام است که غرض واحدی آنها را با هم جمع کرده و به سوی آن هدف سوق داده شده است. و برای همین یک بار نفس آیات به اعتبار معانی موجود در آن لحاظ می گردد و [در مورد آن] گفته می شود: «فَرَضْنَاهَا» [سوره ای که احکام در آن را واجب نمودیم].

و باری دیگر «سوره» به عنوان ظرفی برای بعضی از آیات می گردد که آنگاه گفته می شود: «أُنزِلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» (نور، ۱/۲۴)؛ و این آن چیزی است که قرآن آن را وضع نموده و تعداد خاصی از آیاتش را با آن نام نهاده است.

این واژه در کلام الهی چندین بار تکرار شده است و گویا از «سور البلد» گرفته شده که همان دیواری است که با آن جایی را احاطه می کنند.

و سوره قرآن به این نام نهاده شده چون تعدادی از آیات را احاطه نموده و یا به دلیل احاطه «سوره» بر غرضی که به سوی آن سوق داده شده است می باشد. ۱۸

از آن چه گذشت، آشکار می‌گردد که «سوره» بر قطعه‌ای از کلام خداوند در قرآن اطلاق می‌گردد که حاوی آیاتی چند بوده و محدوده آن قابل تغییر نیست. یک غرض واحد بر سراسر «سوره» حکمفرماست، هر چند در تک تک آیات آن، این غرض محسوس نمی‌باشد، بلکه یک روح کلی بر آن حاکم است.

نگاهی بر نزول تدریجی قرآن

تدریجی بودن نزول قرآن کریم به عنوان بستری برای بحث چینی آیات و سوره در قرآن کریم مطرح است چرا که اگر قرآن تنها دارای نزول دفعی می‌بود، دیگر مجالی برای بحث پیرامون کیفیت چینی جملات و آیات و سوره‌ها در قرآن باقی نمی‌ماند و بستر بحث از بین می‌رفت. لازمه نزول تدریجی اجزای قرآن این است که شخص یا اشخاصی سامان بندی اجزای آن را بر عهده داشته باشند و اینجاست که مسأله نوشتار ما مطرح می‌شود. پیرامون نزول قرآن اقوال مختلفی وجود دارد ولی نزول تدریجی آن به شهادت خود قرآن در آیه: «و قرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا» (اسراء، ۱۷/ ۱۰۶)؛ مورد اتفاق همگان است و اختلافی در آن نیست.

لازم به ذکر است که بعضی از دانشمندان صرفاً قائل به نزول تدریجی هستند و آنرا به عنوان امری مسلم می‌دانند از جمله آنها، آیه‌الله معرفت (ره) است که در جای جای کتاب «التمهید» به این نظر اشاره می‌کند مانند:

قرآن مجموعه آیات و سوره‌های نازل شده بر پیغمبر اسلام (ص) است که پیش از هجرت و پس از آن در مناسبت‌های مختلف و پیشامدهای گوناگون به طور پراکنده نازل شده است، سپس گردآوری شده و به صورت مجموعه کتاب درآمده است. نزول قرآن، تدریجی، آیه آیه، و سوره سوره، بوده و تا آخرین سال حیات پیامبر (ص) ادامه داشته است. هرگاه پیشامدی رخ می‌داد یا مسلمانان با مشکلی روبرو می‌شدند، برای رفع آن یا احیاناً پاسخ به سؤالهای مطرح شده، آیاتی چند یا سوره‌ای نازل می‌شد. این مناسبت‌ها و پیشامدها را اصطلاحاً «اسباب نزول» یا «شأن نزول» می‌نامند که دانستن آن‌ها برای فهم دقیق بسیاری از آیات ضروری است. این نزول پراکنده، قرآن را از دیگر کتب آسمانی جدا می‌سازد، زیرا

صحف ابراهیم والواح موسی، یک جا نازل شد و همین امر موجب عیب جویی

مشرکان گردید. ۱۹

دلیل بر تفرق و تدریجی بودن نزول قرآن، قول حق تعالی در سوره «اسراء» می باشد:

و قرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا (اسراء، ۱۷ / ۱۰۶).

و نیز قول خداوند در سوره فرقان:

و قال الذین کفروا لولا نزل علیه القرآن جملة و احده کذلک لثبت به فؤادک ورتلناه

ترتیلًا. ولا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحق و أحسن تفسیرا (فرقان، ۲۵ / ۳۲-۳۳).

روایت شده که کافرین از یهود و مشرکین به خاطر نزول تدریجی قرآن بر

پیامبر (ص) عیب جویی می کردند و از او می خواستند که قرآن را به یکباره بیاورد. و خداوند

این دو آیه را برای رد آنان نازل فرمود. و این رد خداوند بر دو امر دلالت می کند:

اول: اینکه قرآن به طور پراکنده بر پیامبر (ص) نازل شده است.

دوم: کتب آسمانی قبل او به صورت یکپارچه نازل شده همانگونه که میان علماء

مشهور است و تقریباً محل اجماع است.

وجه دلالت بر این دو امر این است که خداوند آن ها را در ادعایشان مبنی بر نزول

کتب آسمانی به صورت یکپارچه، تکذیب نکرد، بلکه با بیان حکمت نزول تدریجی قرآن

به آنها پاسخ داد، و اگر نزول کتب آسمانی همانند قرآن به صورت پراکنده و تدریجی

می بود، حتماً خداوند بیان آنها را تکذیب می کرد.

و اعلان می نمود که نزول تدریجی، سنت خداوند بر انبیاء قبلی است، همانگونه که

در موارد دیگر آنها را رد نموده است. ۲۰

از آنچه گذشت، آشکار گشت که نزول دفعی قرآن در نزد علماء محل اختلاف است

و برخی از علماء با دلایلی آن را به طور کامل رد نموده اند. اما نزول تدریجی به شهادت

صریح قرآن و تاریخ و همچنین علماء ما، برای قرآن ثابت شده است و این نقطه افتراق

قرآن با دیگر کتب آسمانی است.

چگونگی نظم و چینش کلمات، آیات و سوره در قرآن کریم

از آنچه گذشت حاصل شد که قرآن به صورت تدریجی در مقاطع مختلف زمانی و

در حوادث متعدد تاریخی در طول بیست و سه سال بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. در اینجا مسأله‌ای مطرح است که چینش کلمات و جمل و هم چنین آیات و سوره در قرآن کریم به چه نحوی و تحت تأثیر چه عواملی صورت پذیرفته است تا آنکه به شکل مصحف کنونی در آمده است؟!

این مسأله در سه محور قابل بررسی و تأمل است.

الف: نظم و چینش کلمات و جمل در قرآن.

ب: نظم و چینش آیات در سوره‌ها.

ج: نظم و چینش سوره‌ها در قرآن کریم

الف) نظم و چینش کلمات و جمل در قرآن کریم

کوچکترین اجزاء ساختمان ظاهری قرآن، کلمات و پس از آن جملات است. گاه این جملات، آیه‌ای را شکل می‌دهد و گاه مجموعه چند جمله یک آیه را تشکیل می‌دهد. شکی نیست که عامل نظم کلمات قرآن و ساختار جمله و ترکیب‌های کلامی آن بدیعی بوده و از وحی آسمانی معجزه آسا نشأت گرفته است، در حالی که مطلقاً دست بشری در آن دخیل نبوده است. همانگونه که در این نظم کلامی هیچ تغییر و تحریفی در گذشت عصرها صورت پذیرفته است: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (حجر، ۹/۱۵) برای توضیح بیشتر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اولاً: نسبت دادن کلام به یک متکلم خاص می‌طلبد که آن متکلم، عامل اصلی در تنظیم کلماتش و ارتباط اسلوبی تعبیرات خاصش باشد. اما اگر آن متکلم صرفاً کلمات مفردی را به کار برد و شخص دیگری آن را در یک اسلوب کلامی خاص تنظیم نمود، دیگر این کلام به متکلم اول منسوب نمی‌باشد، بلکه منتسب به شخص دوم است. در مورد قرآن مجید که کلام خداوند است، نیز وضع اینگونه است و چاره‌ای نیست جز آنکه وحی تنها عامل در تنظیم کلمات قرآن به شکل جمله و ترکیب‌های کلامی بدیع باشد، اما نفس کلمات بدون ترکیب و تألیف، آن چیزی است که عرب، روز و شب آن را به کار می‌بسته و اعجاز درنظم قرآن از جانب وحی آسمانی است.

ثانیاً: بخش اعظم اعجاز قرآن در وراء این نظم بدیع و اسلوب تعبیرات دلپذیر قرآن مانند تناسب آهنگی و تناسق شعری آن، پنهان است. و قرآن به صورت عمومی فصیحان

عرب و صاحبان بیان را به تحدی خوانده است و اگر ما - به فرض محال - امکان دخالت دست بشری در نظم قرآن را جایز بدانیم، به معنی ابطال این تحدی عظیم قرآن می باشد. ثالثاً: اجماع و اتفاق امت اسلامی در تمام دوره های تاریخی بر این بوده است که نظم موجود و اسلوب جملات و ترکیبات آیات قرآن ساخته وحی آسمانی است نه غیر آن. این امری است که همه طوائف اسلامی با وجود اختلاف نظراتشان در دیگر مواضع، به آن قائلند. ۲۱

ب) نظم و چینش آیات در سوره های قرآن کریم

پس از بررسی چگونگی چینش کلمات و جملات در قرآن کریم وارد بررسی چینش آیات در سوره های قرآن کریم می شویم.

آیات قرآن واحدهای کوچک سوره هاست و موضوع قابل بحث در آنها، نظم و ترتیب آیات در سوره های قرآن است که این ترتیب با چه زمینه و کیفیتی فراهم آمده است. آیا ذوق و سلیقه و رأی و نظر اشخاص (مثلاً صحابه) در بوجود آمدن ترتیب فعلی مؤثر بوده است یا آنکه ترتیب موجود مانند شناخت آیات، توقیفی بوده و طبق دستور پیامبر (ص) صورت گرفته است؟! ۲۲

پیرامون چینش آیات در سوره های قرآن کریم تقریباً اتفاق نظر میان علماء ما وجود دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

(زرکشی) معتقد است:

ترتیب آیات در هر سوره و وضع «بسملة» در ابتدای آن همه بدون شک توقیفی بوده و اختلافی در آن نیست و به همین دلیل جابجائی آیات جایز نمی باشد.

وی از قول «مکی بن ابی طالب» و غیر او نقل می کند:

ترتیب آیات در سوره ها از جانب پیامبر (ص) بوده و از آن جا که در مورد ابتدای سوره «برائت» دستور «بسملة» را نداده بودند، بدون آن ترک گردید. ۲۳

«خازن» می گوید:

رسول الله (ص) به اصحابش تلقین می نمود و به آنها آنچه را که از قرآن نازل شده بوده به همین ترتیبی که در مصاحف ماست، تعلیم می داد، و این ترتیب به صورت توقیفی از جانب جبرئیل (ع) ام برای او می آمد و هنگام نزول هر آیه به او اعلام

می نمود که آن را در پس آیه فلان در سوره فلان بنویسد. ۲۴

و از جمله روایاتی که بر توقیفیت چینش آیات در سوره‌ها اشاره دارد؛ روایتی است که «بخاری» در صحیحش از «ابن الزبیر» نقل می‌کند که به «عثمان» گفت: آیه **وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُم وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا** (بقره، ۲/۲۳۴) توسط آیه دیگری نسخ شده، پس چرا آن را نوشته‌ای؟! عثمان گفت: ای پسر برادرم، مکان هیچ چیزی را تغییر نمی‌دهم.

«عثمان» جرأت بر تغییر مکان آیه را نداشت حتی اگر منسوخ شدن آیه هم بر او ثابت شده بود؛ چرا که او می‌دانست برای وی و دیگران دخالتی در ترتیب آیات قرآن، بعد از آنکه پیامبر (ص) آن را با توقیفی به واسطه جبرئیل مرتب نموده، نمی‌باشد. ۲۵ آیه الله معرفت پیرامون نظم و ترتیب آیات چنین می‌گوید:

ترتیب نظم و عدد آیات در هر سوره در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) و با دستور آن بزرگوار انجام شده و توقیفی است و باید آن را تعبداً پذیرفت و به همان ترتیب در هر سوره تلاوت کرد. هر سوره با فرود آمدن **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ** آغاز می‌شد و آیات به ترتیب نزول در آن ثبت می‌گردید تا موقعی که **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ** دیگری نازل می‌شد و سوره دیگری آغاز می‌گردید این نظم طبیعی آیات بود و گاه اتفاق می‌افتاد، پیامبر اکرم (ص) با اشاره جبرئیل دستور می‌داد تا آیه‌ای بر خلاف نظم طبیعی در سوره دیگری قرار داده شود، مانند آیه **وَاتَّقُوا یَوْمًا تُرْجَعُونَ** (بقره، ۲/۲۸۱)؛ که گفته‌اند از آخرین آیات نازل شده است و پیامبر (ص) فرمود آن را بین آیه «ربا» و آیه «دین» در سوره بقره به عنوان آیه (۲۸۱) ثبت کنند. بنابراین ثبت آیات در سوره‌ها، چه با نظم طبیعی یا نظم دستوری، توقیفی است و با نظارت و دستور خود پیامبر اکرم (ص) انجام گرفته است و باید از آن پیروی نمود. ۲۶

وجوهی بر توقیفیت چینش آیات دلالت دارد، از آن جمله:

الف: دلیل عقلی مبنی بر آنکه قرآن کریم معجزه همیشگی پیامبر اسلام (ص) و اسلوب آن هم باید معجزه باشد، پس نباید دست بشر در آن دخالت داشته باشد و بر طبق قیاس و رأی به تقدیم و یا تأخیر آیات نظر بدهد.

ب: روایاتی که دلالت دارند بر اینکه پیامبر اکرم (ص) درباره بعضی آیات فرموده که فلان آیه آخر و یا اول فلان سوره است و نشان می‌دهد که این سوره‌ها در عصر رسول اکرم (ص) نیز به این ترتیب، مرتب شده بود.

ج: روایاتی است که دلالت دارد بر اینکه پیغمبر اسلام (ص) خود به نویسندگان وحی دستور می داد که فلان آیه را در فلان جا و آن آیه را در جای دیگر قرار دهند. این ها بعضی از وجوهی است که برای توقیفی بودن ترتیب آیات نقل شده و اجماعی که بر این مطلب وجود دارد نیز بدان اضافه می گردد. ۲۷

۳. نظم و چینش سوره ها در قرآن کریم:

در بخش پایانی این مجموعه به «نظم و چینش سوره ها در قرآن کریم» می رسیم این مبحث از مسائل مهمی است که پیوند عمیق با دیگر مسائل علوم قرآنی از جمله تناسب «آیات و سور» دارد. برخلاف بحث «نظم و چینش آیات در سور قرآن» که تقریباً به طور اجماعی علماء قائل به توقیفیت آن از جانب شارع بوده اند، در بحث «چینش سوره ها» اختلاف نظر میان علماء وجود داشته و به طور کلی به سه دسته تقسیم می گردند: الف: عده کثیری از علماء متقدم و متأخر قائل به توقیفیت چینش سوره ها در قرآن کریم می باشند.

ب: عده ای دیگر در مقابل گروه اول، قائل به این هستند که چینش فعلی سوره ها در قرآن کریم، نتیجه اجتهاد صحابه است.

ج: برخی دیگر از علماء به گونه ای قائل به تفصیل میان قول اول و دوم شده اند. در این جا ابتدا قول اول را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. توقیفیت چینش سوره ها در قرآن:

توقیفیت چینش سور بدین معناست که ترتیب سوره ها همان گونه که در حال حاضر در مصاحف موجود است، به دستور پروردگار متعال و به واسطه جبرئیل به پیامبر اسلام (ص) وحی شده است و اجتهاد و رأی هیچ یک از صحابه در ترتیب آن مؤثر نبوده است.

برخی از علمای متقدم، هم چون «قاضی ابوبکر ابن الانباری»، «کرمانی»، و «طیبی» از اهل سنت و «سید مرتضی قدس سره» از شیعه قائل به این نظر بوده اند. ۲۸

«ابن الانباری» معتقد است:

سیاق سوره ها مانند سیاق آیات و حروف قرآن است که همه از سوی رسول اکرم (ص) می باشد و هر کس سوره ای را پس و پیش کند، نظم قرآن را بر هم زده

است . ۲۹

«کرمانی» در «البرهان» می گوید :

سوره ها به همین ترتیب نزد خداوند در لوح محفوظ است و به همین نحو پیغمبر اکرم (ص) هر سال آن را با جبرئیل مقابله می نمود و در سالی که وفات یافت ، دو مرتبه آن را مقابله کرد . ۳۰

«ابوجعفر النحاس» گفته است :

نظر مختار این است که تألیف سوره ها بر این ترتیب از رسول اکرم (ص) است به دلیل حدیث «واثلة» [که پیامبر (ص) فرمودند : «به جای تورات سبع الطول ، به من داده شد...»] چرا که این حدیث دلالت دارد بر اینکه تألیف قرآن از خود پیامبر (ص) و این نظم از همان زمان بوده است و در یک وضع در مصحف جمع شده ، زیرا که این حدیث با تعبیر و لفظ خود پیامبر (ص) - که دلالت بر تألیف قرآن دارد - آمده است . ۳۱

«ابن الحصار» نیز گفته است :

ترتیب سوره ها و جا دادن آیه ها به تحقیق از وحی سرچشمه گرفته است . ۳۲

«سید مرتضی (ره) از بزرگان متقدم شیعه نیز معتقد است قرآن در عهد پیامبر (ص) به صورت مجموع و تألیف شده بود ، همان گونه که در مصاحف امروزی است . استدلال وی بر این مطلب این است که قرآن در آن زمان تدریس می شده و توسط عده ای حفظ می گردید ، و اینکه قرآن بر پیامبر (ص) عرضه گردیده و بر او تلاوت می شد ، و هم اینکه عده ای از صحابه مانند «ابن مسعود» و «ابی بن کعب» و... چند دفعه ، قرآن را نزد پیامبر (ص) ختم نمودند . و همه اینها با اندک تأملی دلالت بر این دارد که قرآن در آن زمان به صورت مجموع و مرتب و غیر پراکنده بوده است . ۳۳

از دانشمندان معاصر اهل سنت ، «صبحی صالح» نیز معتقد است که :

تألیف سُور به این ترتیب که در مصحف ها می یابیم - همانند تألیف آیات در سور - توقیفی است و هیچ راهی برای اجتهاد در آن نیست ، نکته ای که هست ، این می باشد که قرآن به طور کامل در زمان رسول خدا (ص) نگاشته شد ولی در یک مصحف واحد جمع نگشت و صحابه که حافظان قرآن در قلب هاشان بودند ، آن

را غنی از این می نمودند که ضرورتاً در یک مصحف واحد شکل گیرد. ۳۴

از معاصران شیعه، نیز آیه‌الله خوئی (ره) معتقد به توقیفیت چینش سور بوده، و در مبحث پاسخ به روایات جمع آوری قرآن در «البیان» ادله‌ای را ذکر می کند مبنی بر آنکه به طور حتم قرآن در زمان رسول خدا (ص) به - شکل کنونی، ترتیب یافته است. ۳۵

شواهدی بر قول «توقیفیت ترتیب سور»

زرکشی برای ترتیب سور اسبابی را ذکر می کند که نشانگر توقیفی بودن این ترتیب و صادر شدن آن از سوی خدای حکیم است.

اول: ترتیب سوره‌ها بر اساس حروف همانگونه که در «حوامیم» است.

دوم: موافقت و همراهی ابتدای سوره با انتهای سوره قبل. همانند ارتباط آخر سوره «حمد» با ابتدای سوره بقره.

سوم: وزن الفاظ مانند آخر سوره «تبت» با ابتدای سوره «اخلاص».

و چهارم: مشابهت کلیت [موضوع] سوره‌ای با کلیت سوره دیگر مانند سوره «والضحی» با سوره «الم نشرح». ۳۶

۲. اجتهادی بودن ترتیب سور در قرآن کریم:

عده‌ای از علماء در مقابل گروه اول قائل به این هستند که فقط آیات قرآن به صورت توقیف از جانب خداوند به دستور پیامبر (ص) در سوره‌ها چیده شده‌اند، و ترتیب سوره‌های قرآن به اجتهاد صحابه و بر اساس آنچه از پیامبر (ص) شنیده بودند، صورت گرفته است. برای آشنایی بیشتر با نظرات این عده از علماء به نظرات برخی از آنها اشاره می شود: زرکشی می گوید:

مذهب جمهور علماء از جمله «مالک» و «قاضی ابوبکر بن الطیب» این است که چینش سوره‌ها به امت پیامبر (ص) بعد از وفاتش سپرده شد. به گونه‌ای که «مالک» می گوید: همانا [صحابه] قرآن را بر اساس آنچه از پیامبر (ص) شنیده بودند تألیف نموده‌اند. ۳۷

«ابن جزئی» از مفسرین نیز می گوید:

ترتیب سوره‌ها به گونه‌ای که الان موجود است، عمل «عثمان» و «زید بن ثابت» و

کاتبان مصحف هاست. البته یک قولی است که می گوید این عمل رسول خدا(ص) است ولی، نظری ضعیف است و روایات وارده در این زمینه آن را رد می کند. ۳۸

ابوالحسین احمد ابن فارس در کتاب «المسائل الخمس» می گوید:

جمع قرآن بر دو گونه است یکی: تألیف و چینش سوره ها همانند مقدم داشتن «سبع الطول» و مؤخر آوردن «مئین»، که این نوع از تألیف توسط صحابه انجام شده است. و اما جمع دیگر همان چینش آیات در کنار هم و تعقیب قصه با قصه می باشد که این امر را رسول خدا(ص) سرپرستی نمود بر اساس آنچه جبرئیل از پروردگارش او را آگاه ساخته بود... ۳۹

از میان علمای معاصر شیعی که قائل به این نظر است، می توان به آیت الله معرفت اشاره کرد، وی نظر خود را این گونه بیان می کند:

جمع سوره ها همان ترتیب دادن آنها به صورت مصحف تألیف شده ای میان دو جلد می باشد؛ که این امر پس از وفات پیامبر(ص) حاصل گشت. حیات پیامبر(ص) سپری شده بود در حالی که قرآن بر روی تکه های چرم، سنگ و چوب و استخوان کتف، ... و قلب های مردم پراکنده بود.

سوره های قرآن در عهد پیامبر(ص) کامل گشته بود و آیات و اسماء آن مرتب شده بود، غیر از آنکه به صورت مجموعه ای در یک مجلد در نیامده بود، به دلیل آنکه در زمان پیامبر(ص) هر لحظه احتمال و انتظار نزول وحی می رفت و تا مادامی که وحی منقطع نشده بود، تألیف سوره ها در یک مصحف امر صحیحی نبود، مگر آنکه بعد از انقطاع وحی و کامل شدن قرآن، بدان پرداخته شود. ۴۰

ادله قائلان به اجتهادی بودن ترتیب سوره:

طرفداران اجتهادی بودن ترتیب سوره دلایلی برای خویش دارند که لابلای کتب آنها

به چشم می خورد، در ذیل به بعضی از آنها به طور اجمالی اشاره می شود:

الف: ترتیب سوره در مصاحف صحابه قبل از جمع قرآن در عهد عثمان، مختلف است و اگر این ترتیب توقیفی و منقول از پیامبر(ص) می بود، دیگر این جرأت را نمی یافتند که در مورد آن اهمال و سستی نموده و از آن ترتیب توقیفی سرباز زنند. ۴۱

ب: روایتی که «مسلم» آن را در صحیحش از «حذیفه» می آورد که پیامبر (ص) در یک رکعت «سوره بقره»، سپس «نساء» و بعد از آن «آل عمران» را خواند. «قاضی عیاض» می گوید:

این دلیل بر آن است که ترتیب سُور به اجتهاد صحابه هنگام کتابت مصحف ها بوده است. ۴۲

ج: آیت الله معرفت (ره) در تبیین نظرش می گوید:

قضیه جمع قرآن پدیده ای از حوادث تاریخی است و یک مسأله عقلانی قابل بحث و جدل نیست و به همین دلیل برای آگاهی از آن باید به متون تاریخی مستند مراجعه نمود، در حالی که این مسأله هیچ جایی برای جولان فکری ندارد و اجماع مورخین و متون صاحبان سیره ها و اخبار امت ها و هم چنین محدثین بر این بوده که ترتیب سُور چیزی است که بعد از وفات رسول خدا (ص) حاصل گشته و این ترتیب مطابق آن ترتیبی که سوره ها بر او نازل شده، نمی باشد. ۴۳

نقد و بررسی نظریه اجتهادی بودن ترتیب سُور:

دلایلی که قائلان به اجتهادی بودن ترتیب سُور اقامه نموده اند تا حدی مخدوش بوده و از اتقان کافی برای اثبات این نظریه برخوردار نیست به عنوان مثال، دلیل اول که تفاوت مصاحف صحابه، قبل از جمع قرآن در عهد عثمان است، می توان در مورد آن گفت که اولاً: شما جمع قرآن را به طور مسلم در زمان عثمان دانسته و به جمع آن در زمان پیامبر (ص) قائل نیستید که این خود محل بحث است.

ثانیاً: مصاحف صحابه تقریباً حالت شخصی داشته و صحابه تلاش نمی کردند که مردم را ملزم به آن کنند، و هیچ گاه ادعا نکردند که مخالفت با آن حرام است، چرا که آن مصاحف را برای مردم ننوشته بودند، بلکه آن را برای خویش نگاشته بودند و زمانی که مردم بر ترتیب عثمان اجماع نمودند، صحابه نیز آن را اخذ نموده و مصاحف فردی خود را ترک نمودند و اگر آنها معتقد بودند که امر ترتیب سُور به اجتهاد و اختیار آنها واگذار گردیده، به این ترتیب به مصاحف خود تمسک نموده و ترتیب عثمان را نمی پذیرفتند. ۴۴

در مورد کلام مرحوم «معرفت» نیز که ادعای اجماع مورخین و صاحبان سیره ها و محدثین و... را نموده اند، می توان گفت که این ادعایی بزرگ است که کمتر در تاریخ به

چشم می خورد، مخصوصاً در مورد گروه اخیر یعنی محدثین که چیزی غیر آن دیده می شود یعنی اقوال مختلف و متعارض که برخی بر توقیفیت چینش سُور و برخی بر اجتهادی بودن آن دلالت دارد که در مجموع رشته این اجماع مورد ادعا را پاره می کند.

۳. نظریه تفصیل

نظریه سوم پیرامون چینش سُور نظریه تفصیل است. به این معنی که ترتیب بعضی از سوره ها با توقیفی از پیامبر (ص) و ترتیب برخی دیگر از آنها با اجتهاد صحابه بوده است. از متقدمین «قاضی ابومحمد ابن عطیه» به نظر سوم تمایل داشته و گفته است: ترتیب بسیاری از سوره ها مانند «سبع طوال» و «حوامیم» و مفصل در حیات پیامبر (ص) بوده است. و احتمال می رود که ترتیب سوره های دیگر به امت پیامبر (ص) تفویض شده باشد. ۴۵

«سیوطی» نیز می گوید:

بیهقی در «المدخل» گفته است: «قرآن در عهد رسول گرامی به همین ترتیب بود - چه آیات چه سور - مگر در سوره «انفال و براءت»، به موجب حدیث سابق عثمان». ۴۶

«سیوطی» نظر خویش را همان، نظر «بیهقی» می داند و می گوید:

نظر مختار من آن چیزی است که «بیهقی» آن را گفته، یعنی، ترتیب همه سوره ها توقیفی است به جز انفال و براءت. ۴۷

وی بر تأیید نظرش، شواهدی را ذکر می کند:

توالی سوره های «الحوامیم» و «الراءات» و جدایی میان سُور مسبحات، و همچنین فاصله افتادن میان «طسم» الشعراء، و «طسم» القصص، توسط «طس»، در حالی که «طس» هم از نظر مطلع (یعنی تعداد حروف مقطعه) و هم از نظر طول سوره، کوتاه تر از آن دو است و می بایست متأخر از آنها بیاید و هم چنین سوره «مطففین» میان دو سوره «انفطار» و «انشقاق» فاصله شده، در حالی که آن دو سوره از نظر مطلع و کوتاهی با هم مشابه اند ولی سوره «مطففین» از آن دو طولانی تر است و اگر چینش سُور به دلیل وجود حکمتی، توقیفی نمی بود، (اگر اجتهادی بود) قطعاً سُور مسبحات متوالی و پی در پی می آمدند و «طس» از سوره «قصص» متأخر می شد. و سوره «مطففین» یا مقدم بر دو

سوره «انشقاق» و «انفطار» می‌آمد و یا آنکه متأخر از آن دو می‌شد. ۴۸

نقد و بررسی نظریه تفصیل :

در این نظر که معتقد است ترتیب قرآن بر دو قسم اجتهادی و توقیفی است، قسم اجتهادی آن را به دلیل صحیحی مستند نمی‌کند و در هر صورت، قسمی ناچیز و غیر قابل توجه است. آن هنگام که «ابن عطیه» می‌گوید :

ترتیب بسیاری از سوره‌ها از قبیل سبع طوال و حوامیم و مفصل، در زمان و حیات پیامبر (ص) معلوم بوده، «ابوجعفر ابن زبیر» معتقد است اخبار بر بیش از آنچه «ابن عطیه» گفته، دلالت دارد.

[یعنی بیشتر سوره‌ها به صورت توقیفی ترتیب یافته است] و مقدار کمی از سوره‌ها باقی می‌ماند که در آنها اختلاف شده است. ۴۹

جمع بندی :

«ابن زبیر» از متقدمین تلاش کرده که میان آراء سه گانه ترتیب سور توافقی ایجاد نماید. وی تبیین می‌کند که سه قول به «توقیفیت» بر می‌گردد و اختلاف بیش از یک دعوی لفظی نمی‌باشد به اینکه چپش سور با توقیفیت قولی صریح از جانب رسول خدا (ص) است یا آنکه با توقیفی عملی برآمده از اعمال او صورت گرفته است؟! اگر چپش سور با توقیفی از جانب رسول خدا (ص) باشد. که دیگر مجالی برای خصم باقی نمی‌ماند. و اگر از اموری باشد که به امت پیامبر (ص) واگذار گردیده، پس آنها تمام جهد خود را به کار بسته‌اند و عارف به اسباب نزول آیات و موضوع کلمات بوده‌اند و قرآن را بر اساس آنچه از پیامبر (ص) شنیده بودند، تألیف کردند و این همان قول «مالک» است که به عنوان یکی از قائلین اجتهادی بودن ترتیب سور ۵۰ است.

«زرکشی» نیز مانند «ابن زبیر» دعوی دو گروه را لفظی می‌داند چرا که قائلین به اجتهاد می‌گویند صحابه با اشاره پیامبر (ص) و علمشان به اسباب نزول و مواضع کلمات به چپش سوره‌ها پرداخته‌اند. ۵۱

بررسی دلایل عرضه شده در زمینه چگونگی ترتیب سور ما را به اثبات توقیفیت در ترتیب اکثر سوره‌های قرآن می‌رساند و آن مقدار از سوره‌ها که دلیلی بر ترتیب آن وارد نشده بدین

معنی نیست که به طریق اجتهاد ترتیب یافته است، بلکه ممکن است برای ترتیب آن، دلیلی باشد که به ما نرسیده است؛ بر این اساس رأی راجح این است که ترتیب سور قرآن همانند آیات قرآن با توقیفی از جانب رسول خدا (ص) از جبرئیل و سرانجام از پروردگار تعالی است. ۵۲ شواهد «زرکشی» نیز برای اثبات این نظریه بسیار راهگشا است وی از طریق تناسب موجود میان سور قرآن به اثبات توقیفیت رسیده است.

از آنچه گذشت، آشکار شد که تقریباً اتفاق نظر بر توقیفیت چینش کلمات، جملات و آیات در قرآن وجود دارد و مسأله اصلی که مورد اختلاف است، چینش سوره‌ها در قرآن کریم است که به تفصیل، اقوال مختلف در آن ارائه و مورد نقد و بررسی قرار گرفت و در پایان آشکار گشت که اختلاف اقوال، چیزی جز یک دعوی لفظی نیست چرا که قائلین به چینش اجتهادی می‌گویند: صحابه به اذن پیامبر (ص) و علمشان به اسباب نزول و مواضع کلمات به چینش سوره‌ها پرداخته‌اند حال آنکه قائلین به چینش توقیفی می‌گویند: سامان بندی اجزای قرآن در زمان پیامبر (ص) و با توقیفی از جانب خداوند صورت گرفته است. در واقع گروه اول نیز این چینش را به پیامبر (ص) و آنچه از مواضع کلام که به صحابه آموخته بود، نسبت می‌دهند نه به خود صحابه. و هر چه پیامبر (ص) فرموده به حکم خود قرآن در آیه: *ما ينطق عن الهوى . إن هو إلا وحىٌ يوحى* (نجم، ۵۳/۳-۴)؛ از جانب خداوند است قوه عقل نیز بر توقیفیت چینش اجزای قرآن حکم می‌کند. زیرا قرآن آخرین کتاب هدایت الهی برای بشریت است که آن را در طی سالها بر قلب و جان رسولش نازل نموده. اگر خداوند تنها این آیات متفرق را بر پیامبر (ص) نازل می‌کرد بدون آنکه مواضع آنها را مشخص نماید و تعدادی از این آیات را که در یک راستا هستند، در یک سوره قرار نمی‌داد، در واقع نقض غرض هدایت گری می‌بود زیرا در این صورت پیامبر (ص) به سلیقه شخصی خود می‌بایست به سامان بندی آیات و سوره‌ها پردازد. حال آنکه نحوه چینش جملات در آیات به هدف آیه کمک می‌کند و هم چنین چینش آیات به طور مشخص در سوره، آن را به هدف اصلی اش می‌رساند. و اندک تغییری در سامان بندی جملات، آیات و سوره‌ها، تغییرات معنایی گسترده‌ای در مفهوم متن به وجود می‌آورد پس هرگونه دخالت بشری در چینش جملات، آیات و سوره‌ها در قرآن کریم نقض غرض هدایتگری الهی است. بنابراین لازم می‌نماید خداوند در کنار نزول تدریجی این کتاب مقدس بر قلب نبی مکرم اسلام (ص)، چینش نهائی اجزای این کتاب

مقدس را به آن حضرت تعلیم دهد تا این زنجیره کامل گردد .

مؤید این سخن ، نتایجی است که در معناشناسی «آیه» و «سوره» برای ما حاصل گشت . به عنوان مثال گفته شد : «سوره» از «سور البلد» گرفته شده ، بدین معنی که هر سوره حصار و بارویی است بر اطراف دسته‌ای از آیات که از جهاتی تناسب موضوعی و محتوایی دارند و برای إفاده معنا یا معانی خاصی گرد هم آمده‌اند بنابراین هرگونه تغییر در چینش آیات در سوره‌ها ، به مراد متکلم ضرر می‌رساند و آن را از مجرای طبیعی اش خارج می‌نماید . در پایان متذکر می‌شویم که نتیجه پژوهش ما منطبق بر فرضیه بدوی ، پژوهش گردید مبنی بر اینکه چینش و سامان بندی همه اجزای قرآن به عنوان کتاب هدایت باید از جانب خداوند صورت پذیرفته باشد و این سخن با تعبیر «کتاب» در مورد قرآن کریم از جانب خداوند نیز سازگاری دارد . زیرا «کتاب» چیزی را گویند که ما بین دفتین است و ابتدا و انتهای مشخصی دارد . مادر عرف عمومی خود نیز به کسی که تنها جملات و سطوری را در مورد یک موضوعی نگاشته ، صاحب کتاب نمی‌گوییم ، بلکه کسی که جملات و عبارات و فصول مختلف را با یک نظم منطقی در کنار هم آورد صاحب کتاب نامیم . خداوند کریم نیز محتویات قرآن را در یک قالب متقن و هدفمند بر پیامبرش نازل نموده تا بر جهانیان عرضه نماید .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

١. معرفة القرآن في تفسير الميزان/ ١٥٠.
٢. ترتيب «العين»، ١/ ١٢٢ - ١٢٣.
٣. معجم مقاييس اللغة، ١/ ١٦٨.
٤. مفردات الفاظ القرآن/ ١٠١-١٠٢.
٥. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، مجلد ١/ ١٨٦.
٦. في علوم القرآن/ ٣٩.
٧. البرهان في علوم القرآن ١، ٣٣٥-٣٣٦.
٨. كشاف اصطلاحات و الفنون/ ١٠٥.
٩. في علوم القرآن/ ٤٠-٤١.
١٠. مناهل العرفان، ١/ ٢٣٥.
١١. البرهانا في علوم القرآن، ١/ ٣٣٢؛ روض الجنان و روح الجنان/ ١٥.
١٢. معجم مقاييس اللغة، ٣/ ١١٥.
١٣. روض الجنان و روح الجنان، ١/ ١٥.
١٤. مفردات الفاظ القرآن/ ٤٣٤.
١٥. مجمع البيان، ١/ ١٤٤.
١٦. البرهان في علوم القرآن، ١/ ٣٣٣.
١٧. مناهل العرفان، ١/ ٢٤٢.
١٨. الميزان في تفسير القرآن، ٥/ ٧٩.
١٩. تاريخ قرآن، معرفت/ ٣١.
٢٠. مناهل العرفان، ١/ ٣٨-٣٩.
٢١. تلخيص التمهيد، ١/ ١٣٩-١٤٠.
٢٢. تاريخ قرآن كريم، حجتى/ ٦٦.
٢٣. البرهان في علوم القرآن، ١/ ٣٢٣.
٢٤. علوم القرآن من خلال مقدمات التفاسير/ ١٠٩-١١٠.
٢٥. مباحث في علوم القرآن/ ٧٠.
٢٦. علوم قرآن، معرفت/ ١٠٧.
٢٧. تاريخ و علوم قرآن، مير محمدى/ ١١٢ - ١١٦ با
- تلخيص.
٢٨. تلخيص التمهيد، ١/ ١٤٥.
٢٩. البرهان في علوم القرآن، ١/ ٣٢٨-٣٢٩.
٣٠. همان/ ٣٢٧.
٣١. الاتقان/ ١/ ٩٠.
٣٢. همان.
٣٣. تلخيص التمهيد/ ١/ ١٤٥.
٣٤. مباحث في علوم القرآن/ ٧٣.
٣٥. ترجمه «البيان في تفسير القرآن»/ ٣٣١-٣٤٥ با تلخيص.
٣٦. البرهان في علوم القرآن، ١/ ٣٢٩.
٣٧. همان/ ٣٢٤-٣٢٥.
٣٨. علوم القرآن من خلال مقدمات التفاسير/ ١١٤.
٣٩. البرهان في علوم القرآن، ١/ ٣٢٧؛ الاتقان، ١/ ٨٨.
٤٠. تلخيص التمهيد، ١/ ١٤٣.
٤١. مناهل العرفان في علوم القرآن/ ١/ ٢٤٤.
٤٢. الدراسات في علوم القرآن/ ١٠٦.
٤٣. تلخيص التمهيد، ١/ ١٤٧.
٤٤. مباحث في علوم القرآن/ ٧١-٧٢.
٤٥. البرهان في علوم القرآن، ١/ ٣٢٥؛ الاتقان، ١/ ٨٩؛ مناهل العرفان، ١/ ٢٤٧.
٤٦. الاتقان في علوم القرآن/ ١/ ٨٩.
٤٧. اسرار ترتيب القرآن/ ٤٧.
٤٨. تناسق الدرر في تناسب السور/ ٣٠-٣١.
٤٩. مباحث في علوم القرآن/ ٧٢-٧٣.
٥٠. البرهان في تناسب سور القرآن/ ٥٧.
٥١. البرهان في علوم القرآن/ ٣٢٤.
٥٢. الدراسات في علوم القرآن/ ١١١.